



المپیک 2016 هم گذشت. اتفاقات زیادی در این المپیک رخ داد که از چشم مردم و کارشناسان دور نماند. عده بسیاری در قبال اتفاقات کوچک یا بزرگی که در این دوره از مسابقات افتاد، واکنش نشان دادند، انتقاد و همدردی کردند. بسیاری از حجم گسترده ناداوری‌ها و حق‌کشی‌ها گفتند و از اینکه می‌شد المپیک را سالم‌تر و زیباتر برگزار کرد. اینکه آیا این ادعاها صحیح است یا نه و آیا اخلاق در المپیک این دوره زیر پا گذاشته شده است، بحث‌هایی است که باید کارشناسان ورزش درباره آن نظر دهند.

اما من از دید یکی از میلیون‌ها کاربری که در طول برگزاری رقابت‌ها مستقیم یا غیرمستقیم در جریان اخبار و رویدادهای المپیک بوده‌ام، قاطعانه می‌گویم که بخش زیادی از این زیر ذره‌بین بودن رفتار مسئولان برگزاری مسابقات، داوران و حتی ورزشکاران، نتیجه مستقیم گسترش رسانه‌های جدید و از جمله شبکه‌های اجتماعی بوده است. امروز بیننده، رقابت‌ها را بدون تأخیر زمانی و هم‌زمان با برگزاری و با بهترین کیفیت می‌بیند. چندین دوربین هر رقابت را پوشش می‌دهند، هزاران عکس حرفه‌ای از آن منتشر می‌شود و قبل، در حین و بعد از انجام هر مسابقه، سیل تحلیل‌ها و نظرات کارشناسانه و غیرکارشناسانه از طریق انواع رسانه‌ها در اختیار قرار می‌گیرد. این را مقایسه کنید با دوران گذشته؛ برنامه‌های تلویزیون 24 ساعته نبود و تنها در بخشی از روز پخش می‌شد و در بقیه مواقع، تلویزیون برفک نشان می‌داد! تصور کنید رویدادی به اهمیت المپیک در حال برگزاری است و باید مدت زیادی صبر کنید که برفک‌ها به نوارهای رنگی تبدیل شده، برنامه‌های تلویزیون شروع شوند و اخبار المپیک برسند. در آن روزها، بازی‌ها با تأخیر از تلویزیون پخش می‌شدند. رادیو در اطلاع‌رسانی از تلویزیون بهتر عمل می‌کرد؛ چراکه 24 ساعته برنامه پخش می‌کرد و بخش‌های متعدد خبری، پوشش نسبتاً مناسبی از رویداد المپیک فراهم می‌کردند.

مطلب پیشنهادی



تار و پود شماره 184
لطفاً رابین‌هود نباشید!

عده بسیاری برای اینکه هیجان مسابقه برایشان از بین نرود، به اخبار رادیو گوش نمی‌دادند تا از نتایج بازی مطلع نشوند و بازی را با تأخیر از تلویزیون ببینند! آن دوران را با امروز مقایسه می‌کنم و درمی‌یابم حتی دنبال کردن رویدادی چون المپیک هم با دوران پیش تفاوت‌های اساسی کرده است. شما مقابل تلویزیون نشسته‌اید و بازی را

مستقیم تماشا می‌کنید. تبلت یا لپ‌تاپی جلویتان است و از طریق سایت‌ها، برنامه بازی‌ها و نتایج را رصد می‌کنید و با گوشی تلفن همراهتان، به انبوه پیام‌های مردم دنیا که در توئیتر، اینستاگرام، تلگرام و بسیاری دیگر از ابزارهای اشتراک‌گذاری ردوبدل می‌شوند نیز نگاهی می‌اندازید.

داوری در قضاوت اشتباه می‌کند و دقایقی بعد، فیلم بازی‌ای که قضاوت کرده است به همراه دریایی تحلیل و نظر بیننده‌ها روی شبکه‌های اجتماعی جاری می‌شود. مجری تلویزیونی از عبارتی ناشایست درباره ورزشکار هم‌وطنش استفاده می‌کند و اینستاگرام، تلگرام و سایت‌ها پر می‌شوند از اظهار نظرها و انتقادات؛ آنچنان که شخص را تا سر حد عذرخواهی رسمی پیش می‌برند. بعد از یک مسابقه ژیمناستیک، تبلیغی پخش می‌شود و مردم آن را توهین به ورزشکار کشورشان تلقی می‌کنند و باز هم شبکه‌های اجتماعی، کمپین، هشتگ، اعتراض و عذرخواهی! شاید سطح فساد در المپیک خیلی تفاوتی نکرده باشد و این ابزارهای در دسترس ما هستند که بیش از گذشته، این موضوعات را آشکار می‌کنند. اگر بیست یا سی سال قبل، داوری حق‌کشی می‌کرد یا در مسابقه‌ای، جریان بازی را به ناحق عوض می‌کردند، هیچ‌کس متوجه نمی‌شد و اگر هم متوجه می‌شد هفته‌ها بعد در یک مجله یا روزنامه گزارش کوتاهی از آن می‌خواند. اما حالا ثانیه‌ای نمی‌گذرد که همه در جریان قرار می‌گیرند.

داستان المپیک امسال یکی از نمونه‌های بسیار خوب از تفاوت سبک زندگی در گذشته نه‌چندان دور و دوران فعلی است. دورانی که تلویزیون‌ها هوشمند شده‌اند و نه تنها تصاویر مسابقه را نشان می‌دهند، بلکه به شبکه متصل می‌شوند و پیام بیننده‌های دیگر نیز بر صفحه نمایش داده می‌شود؛ امکان بازیابی تصاویر و قابلیت ضبط دارند و حتی می‌توان یک بازی را به طور 360 درجه دید؛ از هر زاویه‌ای که بخواهید. همه این‌ها قدرت زیادی به مردم می‌دهد. آن‌ها اکنون محدود به رادیو یا تلویزیون نیستند؛ خودشان صاحب رسانه هستند. اعتراض می‌کنند، تحلیل می‌کنند، مخالفت می‌کنند و هشتگ می‌سازند. شاید در روزگاران گذشته، حین نمایش یک بازی و کمی بعد از آن، همه این تحلیل‌ها و اعتراضات و نقدها محدود به جمع‌های خانوادگی و دوستان می‌شد؛ اما اکنون من و شما این قدرت را داریم که با دیدن ناداوری، حرکتی ناپسند یا حرکتی بجا و قهرمانانه، گوشی را برداریم و پستی در انتقاد یا حمایت از آنچه دیده‌ایم در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک بگذاریم.

اما قدرت، گاهی آثار منفی هم دارد. همان اندازه که مردم امروز قدرت دارند در حمایت از یک ورزشکار آستین‌ها را بالا بزنند و اقدام‌های مثبت و حمایتی انجام دهند، همان اندازه هم دستشان باز است که دست به اشتباهات بزرگ بزنند. به خیال خودشان از چیزی دفاع می‌کنند، اما همه پل‌های پشت سر خود و دیگران را خراب می‌کنند. امروز که این مطلب را می‌نویسم، روز پزشک است و من به چشم خود دیدم که در یکی از همین فضاهای مجازی، پلی ویران شد و اشتباهی رخ داد که اگر به‌موقع از مردم پوزش خواسته نشود، لکه سیاهی بر قدرت مجازی ما کاربران به جای خواهد گذاشت.

تاریخ انتشار: